



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه، ۲۲ مارچ ۲۰۲۲

داکتر عبدالرحمن زمانی

تأسیس حکومت خاندانی نادرشاه

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

در اسناد گذشته بمشاهده رسید که رسیدن سپه سالار محمد نادر خان به قدرت یک امر اتفاقی نبود. دستگاه استعماری انگلیس چه در کسب شهرت و چه در رساندن نادر خان و خانواده اش به قدرت نقش برآزنده داشت. با رسیدن نادر خان به قدرت نه تنها آرزوی دیرینه خانواده آل یحیی برآورده شد، بلکه طرح نوین استعمار انگلیس برای تامین منافع شان از طریق رساندن هواداران داخلی شان به قدرت، در افغانستان غیر قابل اشغال نظامی، با اشغال سیاسی عملی شده و افغانستان به یک کشور نیمه مستعمره تبدیل شد.

دلچسپی انگلیس ها در نادرخان بیشتر بر دوهدف متمرکز بود: نخست تأمین صلح و آرامش در مناطق قبایل سرحدی و دوم جلوگیری از پیشرفت روس ها و نفوذ ایدیولوژیک شان. برای رسیدن به این دو هدف انگلیس ها حاضر بودند برای ثبات نقش نادرخان کمک های قابل توجهی را عرضه کنند. درین رابطه نایب السلطنه هند بریتانوی نوشته بود که «ما همچنان سالانه مبالغ قابل توجهی را برای ماموریت بریتانیا در افغانستان میپردازیم و برای آغاز کار نادرشاه در سال ۱۹۲۹ مبلغ چهارمیلیون روپیه را دادیم. علاوه بر آن ما آماده هستیم تعدادی از تفنگ های هندی را یا بدون قیمت و یا به اقساط طولانی مدت برای بلند بردن فعالیت اردوی افغانستان، که عامل بسیار عمده ثبات آن دولت است، به حکومت افغانستان عرضه کنیم.» (اسناد محرمانه آرشیف انگلستان، تلگرام و ایسرای به وزارت خارجه در لندن، R/۱۲/۲۰).

نادرخان بعد از آنکه بتاريخ ۱۶ اکتوبر ۱۹۲۹ وارد کابل شده، پادشاهی اش را اعلام کرد، لست افرادی را که به پست های مهم تعیین شده بودند، بتاريخ ۲۸ اکتوبر به اطلاع انگلیس ها رساند. درین لست سردار شاه ولی خان (برادر شاه) وکیل مقام سلطنت و بعد ها سفیر افغانستان در لندن و

پاریس، سردار محمد هاشم خان (برادر شاه) صدراعظم که برای هفده (۱۷) سال درین سمت باقیمانده، سردار شاه محمود خان (برادر شاه) وزیر حربیه، سردار فیض محمد خان زکریا (یکی از عموزادگان شاه) وزیر خارجه، محمد گل خان مومند وزیر داخله، الله نواز خان وزیر دربار، نورالمشایخ حضرت فضل عمر مجددی وزیر عدلیه، میرزا محمد ایوب خان وزیر مالیه، و محمد عزیز خان (برادر شاه) سفیر افغانستان در مسکو شامل بودند. (اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۳۱۷ مؤرخ ۲۸ اکتوبر ۱۹۲۹ به وزیر دولت در امور هند ۱۰/۱۳۰۱/L/P&S).

انگلس ها معیار عمده انتخاب وزرا توسط نادرخان را ضدیت با امان الله خان و محروم ساختن خانواده های پر نفوذ سابقه مثل خانواده های عبدالقدوس خان اعتماد الدوله و لوی ناب میدانستند. بنظر آنها، انتخاب قابل توجه خارج از خانواده سلطان محمد خان [طلائی] یکی انتخاب الله نواز خان مهاجر هندی به وزارت پرنفوذ و دارای امتیازات خاص دربار و دیگری انتخاب حضرت شیر آغا [نورالمشایخ] به وزارت عدلیه بود که نماینده مخالفین اصلاحات امور قضائی بشمار میرفت. (اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۳۱۴ مؤرخ ۱۲ نومبر ۱۹۲۹ به وزیر دولت در امور هند ۱۰/۱۳۰۱/L/P&S).

میر غلام محمد غبار درین رابطه مینویسد که «این کابینه اسماً کابینه بود و در معنا وزرا از سکرترهای شخصی صدراعظم فرقی نداشتند. هیچ یک از وزرا بدون امر صدراعظم حق تنفس در مجلس وزرا و قدرت حتی استعفا از وزارت را نداشت. تمام قضایای عمده کشور در «کابینه اصلی ارگ» یعنی برادران شاه محرمانه حل و فصل شده و صدراعظم بدون چون و چرا تصویب و امضای مجلس وزرا را در فیصله های مذکور می گرفت، و بار مسؤلیت تاریخی را در گردن وزرای جیره خوار میانداخت».

غبار درین جا مثال فاجعه کشتن غلام نبی خان چرخي را ذکر میکند و مینویسد «یکروز بعد، این فاجعه را جریده رسمی اصلاح در شماره ۸۲ تاریخی ۱۷ عقرب به اطلاع مردم افغانستان رساند و گفت که «اینمرد قاتل و عیاش و فاسد و قاچاقبر و دزد بود». یکروز بعد تر، در شماره ۸۳ مؤرخ ۱۸ عقرب اصلاح باز نوشت که : «اعلیحضرت بعد از کشتن غلام نبی، مجلسی در صدارت از وزرا، معین ها، مجالس شورا و اعیان و جمعیت العلما تشکیل، و سبب کشتن غلام نبی را طرح فرمود. مجلس تصدیق و عریضه تقدیم کرد و نوشت که از اوراق ملحوظه مجلس خیانت های سابقه و لاحقہ اش به ثبوت پیوسته، مجازاتی که اعلیحضرت باو داده اند موجبات مزید تشکرات عموم اهالی را فراهم ساخته، ما هم صمیمانه ازین جامعه خواهی اعلیحضرت تشکر میکنیم.» یعنی کابینه

افغانستان تمام فجایع را که مقام سلطنت انجام میداد بعد از اجرای عمل، تصویب مینمود و مسؤولیت تاریخی را بعهدہ میگرفت.» . (غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹) . جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۶). نادرشاه بتاريخ ۶ نومبر ۱۹۲۹ با اعلام پالیسی دولتش بر دو نکته اساسی تکیه کرد:

نادرشاه بتاريخ ۶ نومبر ۱۹۲۹ با اعلام پالیسی دولتش بر دو نکته اساسی تکیه کرد:

۱. روابط با کشور های خارجی ادامه پالیسی دوران امان الله خان خواهد بود.
 ۲. اداره امور کشور مطابق به اساسات شریعت اسلامی (مذهب حنفی) و حقوق مساوی.
- در زمینه سیاست خارجی روش نادر شاه با وجود ادعایش که « مثل زمان امان الله خان مناسبات افغانستان با دول خارجه ادامه خواهد داشت»، تنها از نظر شکل و ظاهر با روش امان الله خان شباهت داشت ، و از نگاه محتوی در قطب مخالف آن واقع بود.

سفیر انگلستان در کابل، مکوناچی همان کسی که در وزیرستان بحیث مامور سیاسی ایفای وظیفه نموده و از نادرخان و برادرانش در آنجا استقبال نموده بود، قبل از آغاز کارش بتاريخ ششم ماه می ۱۹۳۰ با نادرشاه یک ملاقات یک ساعته داشت. او در تلگرافی راجع به این ملاقات نوشت که «برخورد شاه با من بسیار دوستانه بود، مخصوصاً هنگام تذکر مناسبات شخصی قبلی ما، او یکبار دیگر از فیصله اش برای دوام مناسبات بسیار نزدیک با بریتانیا یادآوری نموده و گفت که اساس آن بر سه دلیل دلچسپی شخصی اش استوار میباشد، که نمیخواهد آنرا بصورت علنی اعلام کند:

۱. اتحاد جماهیر شوروی، که وی هیچوقت به آن اعتماد نخواهد کرد
۲. امان الله
۳. و اینکه اتکای خیر و سعادت افغانستان بر حسن نیت و مصلحت حکومت بریتانیا و هند بریتانوی میباشد.

در رابطه با نکته دوم پالیسی رژیم خاندانی که عبارت بود از «اداره امور کشور مطابق به اساسات شریعت اسلامی (مذهب حنفی) و حقوق مساوی»، باید گفت که یکی از اقدامات عاجل و فریبنده ای که نادر شاه انجام داد، تشکیل «جمعیت العلماء» بود که کاری جز توجیه اعمال و اقدامات ضد انسانی دستگاه حاکم نداشت. مثلاً، این «جمعیت العلمای» نو تشکیل طی اولین اعلامیه یا فتوای خویش بتاريخ ۲۹ ماه اسد سال ۱۳۰۹ خورشیدی، مطالب آتی را در پنج ماده نشر نمود:

۱. هر که با پادشاه بیعت نکند و بمیرد ، مرگ او مرگ جاهلیت است.
۲. خداوند بعد از بیعت، اطاعت و معصیت امر پادشاه را بر اطاعت و معصیت امر خود مساوی فرموده.

۳. خداوند میفرماید: .. جمیع اوامر شرعیه پادشاه را خواه محبوب باشد یا مکروه اطاعت کنید!
۴. پیغمبر وجود پادشاه را ظل الله حس کرده اهانت او را اهانت خدا تعریف کرده.
۵. زجرباغی و طاغی پادشاهی را مساوی بکفار به قتل بالسیف امر میدهد که ایشان را بقتل برسانید...

به گفته محترم محمد ولی، «نادر خان برای برحق نشان دادن مظالم وکشتار هایش فتوای شرعی جمعیت العلمای ساخت دست خودش را به تاریخ ۲۹ اسد سال ۱۳۰۹ حاصل نمود. این فتوا بحدی ظالمانه صادر شده بود که اثری از ارزشهای مدنی و حقوق بشری در آن دیده نمیشد. همان روحانیونیکه امان الله خان را به جرم استقلال کشور وپلانهای ترقی خواهانه اش تکفیر کرده بودند نادر خان را نعوذ بالله به مرتبت خدایی بالا برده گفتند اهانت به شاه اهانت به خداست. با صدور این فرمان همه فجایع استبداد سلطنتی، قانونی وشرعی تلقی گردیده دست سلطنت را در زجر و سکنجه وکشتار باز گذاشت. این فتوا با یک دستور العمل انگلیس به همفری جاسوس برای ممالک اسلامی چنین بود:»

- اثبات حقانیت شاهان وفرمانروایان مستبد و خود کام، از طریق اشاعه احادیثی مانند (سلطان سایه خدا در زمین است) وادعای اینکه ابوبکر و عمر و عثمان و علی رض، بنی امیه و بنی عباس همگی با قوه قهریه بزور اسلحه به فرمانروایی رسیده اند و خلاصه شمشیر بر مقدرات شان حاکم بوده است ...» از کتاب خاطرات همفری " مقایسه شود کنه اهداف برتانیه را میتوان در آن دریافت. « محمد ولی، به استقبال صدمین سالروز استرداد استقلال کشور، به دوام گذشته، بعد از سقوط حکومت امانی بر این ملت چه گذشت؟ ۲- نذری از مظالم نادرخان در حق این ملت، ویبسایت هود).

منابع:

- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام وایسرای به وزارت خارجه در لندن، R/۱۲/۲۰.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۳۱۷ مؤرخ ۲۸ اکتوبر ۱۹۲۹ به وزیر دولت در امور هند ۱۰/۱۳۰۱/L/P&S).
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۳۱۴ مؤرخ ۱۲ نومبر ۱۹۲۹ به وزیر دولت در امور هند ۱۰/۱۳۰۱/L/P&S).
- غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹). جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۶.
- محمد ولی، به استقبال صدمین سالروز استرداد استقلال کشور، به دوام گذشته، بعد از سقوط حکومت امانی بر این ملت چه گذشت؟ ۲- نذری از مظالم نادرخان در حق این ملت، ویبسایت هود.